

میراث فرهنگی ردپای انسان در مسیر تاریخ

بازدید از کارگاه پژوهشکده‌ی حفاظت و مرمت آثار تاریخی

زهرا مروتی

دبیر تاریخ شهر تهران

اشاره

اولین سخن‌ران و استاد کارگاه، حمید فدایی عضو هیئت علمی پژوهشکده، با مقاله‌ای تحت عنوان «مروری بر اقدامات حفاظتی و مرمتی برخی از آثار و اشیای تاریخی» بود. وی اظهار داشت: «موضوع حفاظت از آثار تاریخی بدون شناخت آن‌ها ناممکن است. شناخت ویژگی‌های فنی اثر و شناخت مفهومی آن‌هاست که موجب کمک مؤثر به فرایند حفاظت اثر با حفظ اصالت آن می‌شود. در حفاظت آثار تاریخی هنگام حفاری باید به این موارد توجه کرد:

- نوع و ساختار بقایای نیازمند حفاظت؛
- حفاظت از دیواره‌ی ترانشه‌ها و بازوان؛
- استفاده از اندود کاهگل روی دیواره‌ها؛
- استحکام‌بخشی بدنه‌ی کوره‌ها با تزریق مواد و ایجاد سرپناه بر بالای اثر.»

سخن‌ران دوم، افشین ابراهیمی، با مقاله‌ای تحت عنوان «اصول کلی مرمت بناهای تاریخی» چنین گفت: «در بحث حفاظت و مرمت آثار تاریخی، باید به چندین اصل مهم توجه داشته باشیم؛ از جمله:

- در امر مرمت، آن‌چه که مورد توجه است، بازسازی اثر

هر ساله روز ۱۷ ماه می میلادی، مطابق با ۲۸ اردیبهشت، از سوی «یونسکو»، روز جهانی میراث فرهنگی نامیده شده است. نام‌گذاری چنین روزی از سوی سازمان یونسکو، اهمیت میراث فرهنگی و لزوم توجه بیشتر به این ثروت بزرگ ملی را گوشزد می‌کند. به همین منظور، «پژوهشکده‌ی حفاظت و مرمت آثار تاریخی» کارگاه یک روزه‌ای را با حضور جمعی از سرگروه‌های آموزشی درس تاریخ در محل این پژوهشکده برگزار کرد.

کارگاه با خوشامدگویی آقای رسول وطن‌دوست، رییس پژوهشکده، آغاز شد. نام‌برده ضمن معرفی پژوهشکده اظهار داشت: «پژوهشکده‌ی حفاظت و مرمت آثار تاریخی، در سال ۱۳۸۴ پس از گذشت ۱۰۷ سال از ایجاد اولین کارگاه آثار سفالی در پایگاه باستان‌شناسی شوش، تأسیس گردید. این امر موجب شد مرمتگران ایرانی به مرکزی دست یابند که بعدها خانه‌ی مرمتگران ایرانی نام گرفت.»

در ادامه، وطن‌دوست به نقش معلمان اشاره کرد و گفت: وظیفه‌ی شما معلمان تاریخ این است که ارزش و جایگاه میراث فرهنگی و اشیای ارزشمند تاریخی را به دانش‌آموزان بشناسانید و فرهنگ نگاه‌داری از آثار تاریخی را به‌صورت مردمی در آورید.»



تاریخی است، نه نوسازی آن.

● استحکامبخشی و فرم‌دهی آثار تاریخی نباید باعث تغییر فرم معماری شود.

● در حد معقول، در امر مرمت باید از مصالح همگن استفاده شود. مثلاً اگر اثری از جنس سنگ است، در مرمت هم سنگ مورد استفاده قرار گیرد.

● در عملیات مرمت نباید از حدود تاریخی آثار خارج شویم.

● آنچه که از بنا برداشته می‌شود، باید با مصالح با کیفیت بهتر جای‌گزین شود و در واقع بهینه‌سازی گردد.

ابراهیمی با تأکید بر این‌که مرمت نکردن از مرمت غیاصولی بهتر است، تصاویر متعددی از مرمت و حفاظت از بناهایی چون «چغازنبیل» را به میهمانان نشان دادند.

سخن‌ران سوم، **رضا رحمانی** با مقاله‌ای تحت عنوان «سیر تحول نقاشی در ایران»، ایشان عنوان داشت: «اولین آثار دیوارنگاری در غارهای لرستان دیده شد که مراسم آئینی و روزمره را روی صخره‌ها و دیواره‌ها

و ظیفه‌ی شما معلما ن تاریخ این است که ارزش و جایگاه میراث فرهنگی و اشیای ارزشمند تاریخی را به دانش‌آموزان بشناسانید و فرهنگ نگه‌داری از آثار تاریخی را به صورت مردمی در آورید

نمایش می‌داد و در آن، از رنگ‌های زرد - قرمز و سیاه که بیشتر جنبه‌ی معنوی داشت، استفاده شده بود.» رحمانی به دسته‌بندی نقاشی در ایران پرداخت و افزود: «نقاشی به سه دوره‌ی کهن پیش از تاریخ، شامل تمدن عیلام، هخامنشیان، پارت‌ها و ساسانیان، دوره‌ی میانه، از ورود اسلام تا اواخر دوره‌ی سلجوقی و قرن‌های ۷، ۸ و ۹ و دوره‌ی جدید که شامل نقاشی‌های معاصر ایران است، تقسیم می‌شود. از مهم‌ترین ویژگی‌های نقاشی دوران کهن، کتیبه‌های آجری با عناصری از پیکر انسان و هم‌چنین دیوارنگاری کوه خواجه، نزدیک زابل و نقش برجسته‌هایی در نیشابور است.

در دوران میانه که همراه با ورود اسلام به ایران است، تغییرات اساسی در نقاشی می‌بینیم. از زمان سلجوقیان به بعد نیز، سبک جدیدی در نقاشی ایجاد می‌شود که دارای ویژگی‌های خاصی است؛ از جمله صورت‌های گرد، چشم‌ها بادامی و... است. اوج ترقی و تکامل نقاشی ایران را می‌توان دوره‌ی تیموریان و صفویه دانست که آن هم مرهون ذوق و استعداد **کمال‌الدین بهزاد** است.

در دوره‌ی قاجاریه، پیکرنگاری درباری با مشخصه‌هایی چون ترکیب‌بندی متقارن و ایستا با عناصر افقی - عمودی،

سایه‌پردازی در چهره و جامه، و استفاده از رنگ‌های گرم رواج می‌یابد.»

رحمانی در انتها، تصاویری از مرمت یک نمونه‌ی نقاشی رنگ روغن از دوره‌ی قاجاریه را ارائه داد. آخرین سخن‌ران این کارگاه **افشین ابراهیمی**، با مقاله‌ای تحت عنوان «آشنایی با حفاظت الواح گلی» بود. وی با تأکید بر این‌که الواح گلی اسناد ارزشمند، مکتوب و تحریف نشده‌ای هستند و متون تاریخی حک شده روی آن‌ها، ارزش منحصربه‌فردی دارند، به آسیب‌هایی که الواح گلی به آن‌ها دچار می‌شوند پرداخت. این آسیب‌ها عبارت‌اند از: آسیب‌های فیزیکی، آسیب‌های شیمیایی و آسیب‌های بیولوژیکی.

از آسیب‌های فیزیکی شایع در الواح گلی می‌توان به شکستگی، ساییدگی، ترک‌خوردگی، له‌شدگی و پوسته‌پوسته شدن یا ورقه‌ای شدن الواح اشاره کرد. در آسیب‌های شیمیایی، پدیده‌ی شورزنی در الواح، به‌خاطر وجود نمک در خاک‌های الواح به‌وجود می‌آید. پدیده‌ی نهان شکستگی، یکی دیگر از آسیب‌های شیمیایی است که به‌خاطر ناخالصی‌ها در خاک الواح ایجاد می‌شود. آسیب‌دیدگی بیولوژیکی، یا به‌وسیله‌ی ریشه‌ی گیاهان است که موجب تخریب فیزیکی یا شیمیایی الواح می‌گردد، یا به‌وسیله‌ی خزندگان و جوندگان به‌وجود می‌آید. ابراهیمی تصاویر متعددی از این آسیب‌دیدگی‌ها را به میهمانان نشان داد.

بازدید از کارگاه سفال که بعد از صرف ناهار و ادای نماز صورت گرفت، از دیگر برنامه‌های این‌روز بود.

«گروه حفاظت و مرمت سفال و شیشه»، به‌منظور دست‌یابی به بیشترین اطلاعات نهفته در این اشیاء و استفاده از آن نتایج در دیگر علوم، وظیفه‌ی انجام پژوهش‌های بنیادین، یافتن شیوه‌های جدید برای مطالعات فنی، آسیب‌شناسی و مرمت، به‌کارگیری مواد و مصالح گوناگون، فعالیت آموزشی و امور ستادی در حوزه‌ی تخصصی سفال و شیشه را در کشور برعهده دارد. در این کارگاه مراحل مرمت یک اثر سفالین نشان داده شد که عبارت‌اند از:

۱. مستند نگاری و بررسی‌های اولیه؛
۲. پاک‌سازی؛
۳. دوباره‌سازی (وصالی)؛
۴. بازسازی قسمت‌های کمبود؛
۵. موزون‌سازی رنگی؛
۶. استحکام‌بخشی نهایی.

بعد از بازدید از کارگاه مرمت آثار سفالین، در انتهای همان سالن به اتاق بزرگی رفتیم که روی در آن نوشته شده بود: «گروه حفاظت و مرمت آثار کاغذی». در این اتاق چند کارشناس مرمت، در حال مرمت یک قرآن خطی با جلد چرمی بودند. یکی از کارشناسان مرمت آثار کاغذی، قرآنی از دوره‌ی قاجاریه به ما

نشان داد و مراحل مرمت و حفاظت آن را چنین عنوان کرد:

۱. مستند نگاری از صفحات قرآن در طی مراحل مرمت و تهیه عکس و اسلاید، بعد و قبل و در عین مرمت، و تهیه عکس میکروسکوپی دوبعدی و سه بعدی.
۲. باز کردن مرمت‌های غیراصولی.
۳. رنگ‌آمیزی کاغذهای مرمتی به دو روش غوطه‌وری و روی شیشه.

۴. ساخت رنگ برای رنگ‌آمیزی کاغذهای مرمتی.

۵. مرمت صفحات قرآن، شامل اتو و صاف کردن چروک‌های صفحات، تهیه الگو برای مرمت صفحات، چسباندن لایه‌ی پشتیبان اول روی صفحات قرآن، طراحی قسمت‌های از بین رفته یا کمبودهای صفحات، برش قسمت‌های طراحی شده، جای‌گزین کردن قسمت‌های طراحی شده در محل‌های دارای کمبود، پرس نهایی و مرمت جلد و صحافی.

سپس به اتاق «گروه حفاظت و مرمت آثار فلزی» هدایت شدیم. دورتادور این اتاق وسایل آزمایشگاهی چیده شده بودند و مثل این بود که وارد آزمایشگاه شیمی شده‌ایم. دو نفر از کارشناسان در حال بررسی فلزی بودند که به گفته‌ی آنها، از «تپه‌ی حسنلو» به آن‌جا آورده شده بود؛ قطعه‌ای کوچک به رنگ سبز. یکی از کارشناسان این گروه، با نشان دادن این فلز، به اهمیت و جایگاه فلز در زندگی انسان‌های گذشته اشاره کرد و گفت: «فلزات از تأثیرگذارترین دستاوردهای بشر در تحول و شکل‌گیری تمدن‌ها به‌شمار می‌روند. به‌طوری‌که کشف فلزات در دوران پیش از تاریخ، چنان تحولات شگرفی را در اجتماعات اولیه پدید آورد که این دوره‌ها بر همین اساس نام‌گذاری شده‌اند؛ از جمله، دوره‌های مس - سنگ (کالکولیتیک)، برنز و آهن. جنبه‌های متفاوتی، از جمله افزایش جمعیت جوامع بشری و تشکیل امپراتوری‌های بزرگ، ناشی از کشف قابلیت‌های فلزات هستند. فلزات تاریخی را عمدتاً مس، قلع، سرب، آهن، طلا، نقره و روی تشکیل می‌دهند که در بسیاری از موارد، بشر در دوران‌های گوناگون، به ترکیبات و آلیاژهای متنوعی با قابلیت‌های فیزیکی متفاوت آن‌ها دست یافته است. بر همین اساس، درک ویژگی‌های فرایندهای تولید این آثار می‌تواند نقش مهمی در بازسازی و ایجاد تصور دقیق‌تری از گذشته‌ی تاریخی فراهم آورد. علاوه بر آن، حفاظت آثار فلزی، مانند عینی‌ترین اسناد به‌دست آمده از گذشته، همت و تخصصی ویژه‌ای را می‌طلبد که در این گروه به آن پرداخته می‌شود.»

آخرین کارگاهی که بازدید کردیم، «کارگاه نقاشی» بود. در قسمت ورودی این کارگاه تابلوی بسیار بزرگی قرار گرفته بود که بنا به گفته‌ی کارشناس بخش نقاشی، متعلق به دوره‌ی صفویه بود و از کاخ نیاوران برای مرمت و حفاظت به آن‌جا منتقل شده بود. یکی از این کارشناسان در حین نشان

دادن قسمت‌های متفاوت مرمت این نقاشی به توضیحاتی در مورد وظایف گروه خود پرداخت. وی اظهار داشت: «هنر نقاشی و نگارگری همواره یکی از روش‌های به‌کار گرفته شده توسط انسان برای برقراری ارتباط با ماوراءطبیعت، رویارویی با ذهنیات و دنیای تخیلات، و نیز ثبت احساسات و نمایش ادراک او از محیط و اتفاقات پیرامون بوده است. این موضوع موجب شده است که این هنر در مسیر تکامل و تحول خود، با بهره‌گیری از ابزار، بسترها و تکنیک‌های گوناگون، جلوه‌های متعدد و متنوعی را به نمایش بگذارد. لذا به‌کارگیری مواد و بسترهای متفاوت، خود باعث شده است مطالعه و کار در رابطه با این شاخه‌ی هنر، از زمینه‌ی گسترده‌ای برخوردار باشد. گروه تخصصی حفاظت و مرمت نقاشی پژوهشکده نیز به‌منظور انجام پژوهش‌های بنیادین و کاربردی در زمینه‌ی فن‌شناسی و آسیب‌شناسی، و تحقیق برای دست‌یابی به روش‌های صحیح حفاظت و مرمت آثار نقاشی، به فعالیت می‌پردازد.»

در حالی‌که به ساعت چهار بعد از ظهر نزدیک می‌شدیم، دید و بازدید از کارگاه‌های مرمت به پایان رسید و خانم کفاش‌زاده، راهنما و مسئول آموزش

اوج ترقی و تکامل نقاشی ایران را می‌توان دوره‌ی تیموریان و صفویه دانست که آن هم موهن ذوق و استعداد کمال‌الدین بهزاد است

پژوهشکده، همکاران را به سمت موزه‌ی ایران باستان که در کنار پژوهشکده قرار داشت، هدایت کرد. وقتی وارد موزه شدیم، با دیدن آثار تاریخی به جا مانده از کشورمان به وجد آمدیم. در این زمان با خود می‌اندیشیدم که در واقع، میراث فرهنگی نشان از هویت و غرور ملی دارد و باعث تداوم و غنی شدن فرهنگ یک کشور می‌شود. از این‌رو، حفظ و نگهداری آثار به‌جا مانده از گذشتگان، تلاش و کوشش جدی و پی‌گیر همه‌ی مردم را می‌طلبد.

در همین زمان به یاد بخشی از وصیت‌نامه‌ی امیر مؤمنان به فرزندش در «نهج‌البلاغه» افتادم که می‌فرماید: ای فرزندان! اخبار گذشتگان را بر قلبت عرضه کن و آنچه را که به پیشینیان رسیده است، به یاد آر. در دیار و آثار مخروبه‌ی آن‌ها گردش کن و درست بنگر آن‌ها چه کرده‌اند. بین از کجا منتقل شده‌اند و در کجا فرود آمده‌اند.»

بعد از گشت‌و‌گذاری یک ساعته و بازدید از قسمت‌های گوناگون موزه‌ی ایران باستان، وقت رفتن فرا رسید.